

تفاوت ارزشی در روابط والدین و فرزندان (بررسی و تبیین مسئله تفاوت ارزشی در ایلام)

Value Differences Between Parents and Children (A Review and Explanation of Value Differences in Ilam)

Z.Toulabi, Ph.D. ✉

Kh.Kamarbeigi, M.A.

دکتر زینب طولابی ✉

استادیار دانشگاه ایلام

خلیل کمربگی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

دریافت مقاله: ۹۰/۵/۱۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۳/۴

پذیرش مقاله: ۹۲/۴/۱۲

Abstract

Transition is a social phenomenon that usually reveals itself in all societies and their values. Technology and the new social affairs have brought up a new generation. Meanwhile has caused a problem for this generation that has impaired the process of new generation's socialization who wants to communicate effectively with other members of society and wants to use the ancestors' legacy.

The researchers used Allport and Engelhat's theories to examine this issue. Objectives of this paper include: a) differences between father's value hierarchy with his boy's value hierarchy.

چکیده

تفاوت در ارزش‌ها از جمله پدیده‌های اجتماعی است که خود را در وضعیت گذار جوامع بیشتر نمایان می‌سازد. فناوری‌ها و مسائل جدید اجتماعی، نسلی نو را در درون خود پرورش داده و در فرایند جامعه‌پذیری نسل جدید که خواهان برقراری ارتباط مؤثر با دیگران و بهره‌گیری از میراث گذشتگان است، خلل ایجاد می‌کند. محققان از نظریات آلپورت و اینگلهارت در بررسی این مسئله استفاده کرده‌اند. اهدافی که این تحقیق در پی بررسی آن‌ها بوده، عبارت‌اند از: ۱. بررسی تفاوت بین سلسله‌مراتب‌ارزشی پدران با سلسله‌مراتب ارزشی پسران؛ ۲. بررسی تفاوت بین ارزش‌های مادی پدران با ارزش‌های مادی پسران؛ ۳. بررسی تفاوت بین ارزش‌های فرامادی پدران با ارزش‌های فرامادی پسران.

✉Corresponding author: Ilam University Faculty of Humanities, Department of Management.
Tel: +98-0841-2224853
Email: toulabi70@yahoo.com

✉نویسنده‌مسئول: دانشگاه ایلام، دانشکده علوم انسانی، گروه مدیریت
تلفن: ۰۸۴۱-۲۲۲۴۸۵۳
پست‌الکترونیکی: toulabi70@yahoo.com

b) differences between father's material values and their boy's material value's. c) differences between father's super material values and their boy's super material values.

All Ilam's third grade high school male students form the statistical population of this research. Fathers and sons completed the questionnaires and participated in interviews. According to the results, the priority of fathers and their boy's value are economical, social, religious, theoretical, political, and aesthetic respectively. Regarding the Engelhat's value system, the priority of father's value are welfare, wealth, and national security.

The super material and material value comprise the priority of fathers and boy's values respectively. The result of the research also indicates that in regard to the economical, political, and social values, there is a deep difference between fathers and their boys; there is a trivial difference regarding the scientific and religious values; and there is not any difference regarding the aesthetic values. As a result, we often see different values in the children with their parents.

Keywords: Different value, value conflict, generation, generational change.

جامعه آماری این پژوهش را تمام دانش‌آموزان پسر سال سوم دبیرستان‌های شهر ایلام تشکیل داده‌اند. برای هر یک از دو نسل (پدران و پسران)، ۱۴۴ پرسش‌نامه در نظر گرفته شده، اطلاعات نیز از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه جمع‌آوری شده است. براساس نتایج این پژوهش، اولویت‌های ارزشی پدران و پسران آن‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، نظری، سیاسی و زیبایی‌شناسی. درباره نظام ارزشی اینگلهارت، اولویت‌های ارزشی پدران عبارت‌اند از: ثروت و زندگی مرفه و امنیت ملی و اولویت‌های ارزشی پسران عبارت‌اند از: زندگی مرفه و ثروت و امنیت ملی. ارزش‌های فرامادی و مادی به ترتیب اولویت‌های ارزشی پدران و پسران را تشکیل می‌داد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در زمینه ارزش‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی بین پدران و فرزندان آن‌ها تفاوت عمیق و در ارزش‌های علمی و مذهبی تفاوت سطحی وجود داشته و در ارزش‌های زیبایی‌شناختی تفاوتی وجود ندارد. در نتیجه، می‌توان تفاوت را در اغلب ارزش‌های فرزندان با والدین آن‌ها مشاهده کرد.

کلیدواژه‌ها: تعارض ارزشی، تغییرات نسلی، تفاوت ارزشی، نسل.

مقدمه

جوامع مختلف تحت تأثیر فرایند نوسازی به‌همراه گسترش جامعه صنعتی و فراصنعتی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در معرض تغییرات و تحولات عمده‌ای قرار گرفته‌اند. تحولات ایجادشده اساس متفاوتی دارند، بعضی از آن‌ها ناشی از جایگزینی و گزینش متفاوت

نسل‌هایی است که از پی هم می‌آیند و در ارزش‌ها و باورها و سبک زندگی آنان مشاهده می‌شوند و زمینه را برای تحولات عظیم در جامعه فراهم می‌کنند. بی‌تردید نسل جوان در فرایند تغییر ارزشی و انتقال ارزش‌های جدید به افراد، بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد (توکلی، ۱۳۷۸).

بحث ارزش‌ها^۱ و تغییر در نظام ارزشی از مفاهیمی است که در وضعیت جدید که تغییرات پرشتاب بر جامعه حاکم است، خود را متجلی می‌سازد. تغییرات ارزشی که بر اثر وضعیت جدید جامعه به وجود آمده، سبب شده است روان‌شناسان اجتماعی، قرن حاضر را دوران «تزلزل ارزش‌ها» بنامند. آنچه از نسل گذشته به عنوان ارزش مطرح شده و تا دوران نوجوانی به عنوان باید و نبایدهای زندگی، خود را نمایان ساخته است، از مرحله نوجوانی به بعد، با دیده شک و تردید نگریسته می‌شود و نوجوان با حساسیت و تأمل فراوان به آن‌ها نگاه می‌کند. شاید بتوان گفت که همین قشر نوجوان مخاطبان اصلی تغییرات را تشکیل می‌دهند و همین گروه سنی‌اند که جاده صاف‌کن تغییرات در جوامع محسوب شده و با پذیرش ارزش‌های جدید، سبب می‌شوند که در وضعیتی جدید، اجتماعی شوند. در این وضعیت جدید که نوجوان «اجتماعی» شده، منبع ارزش‌های او از حالت تک‌بعدی خارج می‌شود و خانواده تأثیر عمده و یگانه خود را از دست می‌دهد. بنابراین این تنوع منابع ارزشی سبب به وجود آوردن انسانی نو می‌شود. در این جامعه جدید، خانواده بسیاری از کارکردهای پیشین خود را یا از دست می‌دهد یا ماهیت این کارکردها تغییر می‌کند. روابط خانوادگی، مانند روابط بین والدین و فرزندان نیز به دلیل وضعیت جدید اجتماعی تغییر کرده و دچار دگرگونی‌هایی شده است. همین تغییر در روابط است که به تفاوت در نظام ارزشی منجر می‌شود.

ارزش‌ها و نگرش‌های متفاوت در جوامع با گذشت زمان در معرض دگرگونی قرار می‌گیرند. بسیاری از ارزش‌هایی که نسل‌های قبلی در گذشته به آن توجه کرده و تأکید می‌کردند، نه تنها توسط نسل‌های بعدی دنبال نمی‌شوند، بلکه به وسیله ارزش‌های جدید آن‌ها جایگزین می‌شوند. این تغییر در ارزش‌ها توسط نسل‌های جوان، تغییر و تحول در جهان‌بینی حاکم به جوامع را نیز موجب می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۸۲).

جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان به موجب این دگرگونی، از اصطلاح شکاف نسل‌ها استفاده کردند که نخستین بار در سال ۱۹۶۰ مطرح شد و امروزه به اصطلاحی گسترده و متداول تبدیل شده است. یکی از تعاریف این اصطلاح در آن سال‌ها، این بود که والدین و فرزندان در اعتقادات خود اختلاف دارند و در نتیجه، والدین می‌ترسند که نفوذ خود را بر بچه‌ها از دست دهند و بچه‌ها عقاید همسالان خود را ارزشمند تلقی کنند (دانکن، ۱۹۹۹)^۲. در این فرایند، والدین و فرزندان دارای ارزش‌های متفاوت و دیدگاه‌های مختلفی بوده و اغلب فرزندان از اینکه والدین آن‌ها خودرأی و از مدافعه هستند، اظهار ناراحتی می‌کنند. از سوی دیگر، والدین نیز رفتار فرزندان خود را برخلاف سنت می‌بینند که این مسئله موجب کشمکش و رنج متقابل می‌شود. این مسئله علاوه بر تفاوت ارزشی،

سبب سرگشتگی و آشفتگی متقابل می‌شود و در ضمن، اقتدار والدین را تضعیف می‌کند. همچنین سبب تضعیف احساساتی می‌شود که والدین و فرزندان را به هم پیوند می‌دهد و علاوه بر آن، باعث افزایش زمینه تنش و کشمکش در روابط آن‌ها می‌شود (دانکن، ۱۹۹۹).

برخی معتقدند زمانی که اصطلاح شکاف نسل‌ها^۳ به کار برده می‌شود، منظور شکاف سنی است که بین والدین و فرزندان به وجود می‌آید، در حالی که اصطلاح مزبور کمتر بدین معنا به کار می‌رود. شکاف نسل‌ها را می‌توان شکاف بین نسل جوان با نسل بزرگسال، شکاف نسل جوان با کلیت جامعه یا شکاف بین ارزش‌های مدنظر جوانان با ارزش‌های مدنظر کارگزاران نظام سیاسی قلمداد کرد. این شکاف الزاماً به معنای عناد و دشمنی نیست. هنگامی که جامعه از یک‌دستی خود خارج می‌شود و در مسیر تحولات فرهنگی و اجتماعی قرار می‌گیرد، با گستردگی جامعه، این پدیده نیز هر روز چهره خویش را عریان‌تر می‌سازد. بنابراین، این شکاف از لاک پنهان خود خارج شده و آشکار می‌شود. در این حالت است که اندیشمندان سیاسی و اجتماعی معتقدند تأثیر پدیده تفاوت نسل‌ها و تفاوت ارزش‌ها در جوامع نیمه‌صنعتی یا به بیانی دیگر در حال گذار، بیشتر از جوامع سنتی یا صنعتی است. تفاوت ایجاد شده در ارزش‌ها از سویی، پدیده‌ای ساختاری و از سوی دیگر، پدیده‌ای فرهنگی است (بشیریه، ۱۳۷۹)؛ چرا که عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری نسل بزرگسال با نسل جوان تفاوت دارد و این تفاوت در جامعه‌پذیری سبب پدید آمدن تفاوت‌ها می‌شود.

باتومور^۴ معتقد است: «استمرار در هر جامعه به وسیله فرایند جامعه‌پذیری که سنت اجتماعی نسل‌های پیشین را به نسل‌های جدید انتقال می‌دهد، تأمین می‌شود، لیکن جامعه‌پذیری هرگز کامل نیست؛ یعنی نسل‌های جدید هرگز زندگی اجتماعی پیشینیان خود را دقیقاً تکرار نمی‌کنند؛ بلکه این تکرار همواره با انتقاد یا رد برخی از جنبه‌های سنن یا نوآوری همراه است. در زمان کنونی، این خصایص به علت تغییرات عمومی که بر محیط اثر می‌گذارد و به سبب تنوع فراوان هنجارها و ارزش‌ها بازتر و بارزتر می‌شوند؛ چراکه به نسل جدید امکان می‌دهد تا حدی بین راه‌های مختلف زندگی به انتخاب بپردازد یا عناصر گوناگون فرهنگ را از نو در انگاره‌های جدیدی ترکیب کند. این یکی از خصایص مهم جوامع صنعتی است که یک نوع فرهنگ متمایز جوانان، همراه با جنبش‌های متشکل جوانان که از طرق مختلف با ارزش‌های فرهنگی نسل قدیم سر مخالف دارند، در بطن آن‌ها به ظهور می‌رسند. اما پدیده‌های ناشی از تعارض بین نسل‌ها در جوامعی که با سرعتی فوق‌العاده از یک نوع جامعه به نوع دیگر تغییر می‌یابند نیز نمایان است» (باتومور، ۱۳۵۷: ۳۴۲).

از نظر اینگلهارت، یکی از مؤلفه‌های مهم دگرگونی ارزشی، جایگزینی نسلی است. اینگلهارت برای چرخه زندگی تأثیر چندانی قائل نیست و تفاوت‌های پایدار بین گروه سنی را بازتاب دگرگونی نسلی می‌داند. او نظریه دگرگونی ارزشی را که دلالت بر جابه‌جایی اولویت‌های مادی به سمت اولویت‌های غیرمادی دارد، به توسعه اقتصادی جوامع ارتباط می‌دهد؛ تا جایی که برای تأثیر نهادهای فرهنگی در

این دگرگونی چندان وزنی قائل نیست. جوانان به مراتب بیشتر از بزرگ‌ترها بر خواسته‌های فرامادی تأکید می‌ورزند و تحلیل گروه‌های سنی مبین این است که این موضوع به مراتب، بیشتر بازتاب دگرگونی نسل‌ها به انعکاس سال‌خوردگی است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۱۵). از نظر او، دگرگونی‌های فرهنگی مهم به تفاوت در میان نسل‌ها می‌انجامد. وی معتقد است: «تحول فرهنگی خیلی وسیعی در فرهنگ معاصر غرب رخ داده است. خیزش سطوح توسعه اقتصادی، سطوح بالاتر آموزش، اشاعه رسانه‌های جمعی و برخاستن دولت رفاه، منجر به تغییر در مهم‌ترین ارزش‌ها (ماريسا فرای،^۵ ۲۰۰۰؛ به‌نقل از یوسفی، ۱۳۸۳: ۴۴).

مهم‌ترین رخدادهای اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه ایران در قالب وقایع عظیمی، همچون انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و پیامدهای آن، از جمله شهیدان و خانواده‌های آنان و اسرا و جانبازان، رخ داده و نگرش‌ها و دیدگاه‌های آنان بر جامعه و خصوصاً نسل‌های بعد تأثیرگذار بوده است. این تأثیرات به‌صورت غیرمستقیم، از طریق تصاویر فیلم‌ها و دست‌نوشته‌ها و روایات، نسل‌های بعدی را متأثر کرده است؛ بنابراین این تحولات عظیم ضمن تغییر در ارزش‌های حاکم، تغییرات سریع فرهنگی را نیز به‌وجود آورده است. این تحولات در عناصر فرهنگی و سنت‌ها و میراث‌هایی که از نسل‌های قبلی به‌جا مانده است، به‌وسیله بخش مهمی از نسل‌های جدید به چالش کشیده می‌شود (معیدفر، ۱۳۸۳). در اینکه آیا ارزش‌ها و باورهای جامعه ما در دهه‌های اخیر دگرگون شده یا خیر، عقاید مختلفی وجود دارد. عده‌ای معتقدند که تحولات اخیر موجب تغییر ارزش‌ها و باورها و سنت‌ها شده‌اند و عده‌ای دیگر بر این عقیده‌اند که اعتقاد به ارزش‌ها و سنت‌های جامعه با اندکی تغییر مثل گذشته پابرجاست.

یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر تفاوت ارزشی بین نسل‌ها در ایران و خصوصاً در استان ایلام، مسئله جنگ است. در دوره جنگ، به جوان به مثابه نوعی ارزش توجه می‌شود و او آینده‌ساز کشور می‌دانند. جنگ، بیشتر باعث وحدت و هم‌بستگی جوانان جامعه می‌شود. جوان در جنگ الگویی اخلاقی به‌وجود می‌آورد، در حالی که بازماندگان آن‌ها کمتر می‌توانند به آن الگو دست یابند و بیشتر با خلأ اخلاقی مواجه می‌شوند. به‌عبارت دیگر، جوان بعد از جنگ، از الگوها و افکار نسل قبلی بیشتر فاصله می‌گیرد. در سال‌های پس از جنگ، شکاف جدیدی را در جنبش‌های جوانان مشاهده می‌کنیم؛ یعنی ظهور «سفسطه‌گرایی»^۶ و «عمل‌گرایی»^۷ و «فردگرایی»^۸ که جایگزین موفقیت‌های نظامی و مدینه‌های فاضله اجتماعی و هم‌بستگی می‌شوند (ربانی، ۱۳۸۰: ۳۰ و ۳۱). این متغیر در استان ایلام تأثیرات خود را بر جای گذاشته است؛ به‌طوری‌که اغلب والدین با تجربیات و خاطراتی که در جنگ داشته‌اند، به‌سمت ارزش‌هایی گرایش دارند که فرزندان آن‌ها با آن بیگانه‌اند. والدین از روزهایی سخن می‌گویند که برای بسیاری از فرزندانشان ناشناخته است و این یکی از عواملی است که سبب تغییر نوع نگاه آن‌ها به ارزش‌های مختلف نیز شده است.

شکاف نظام ارزشی نسل نو و میزان تفاوت آن با نسل گذشته، تذکری به کارگزاران نظام تربیتی جامعه است و کارنامه برنامه‌ریزی‌های آن‌ها را در پیش‌رویشان خواهد نهاد و میزان موفقیت یا ناکامی آن‌ها را نشان خواهد داد تا زمینه را برای ادامه یا تجدیدنظر در شیوه‌های تربیتی آن‌ها فراهم سازد. از آنجا که ارزش‌ها نمایانگر گرایش‌های افراد و تعیین‌کننده رفتارهای فردی و اجتماعی محسوب می‌شوند، پژوهش درباره آن‌ها به شناسایی رفتارهای پسند جوانان منجر می‌شود و به خانواده‌ها الگوهای جدید رفتار با نوجوانان را می‌آموزد. شناختن الگوهای صحیح تربیتی، چه از سوی والدین و چه از سوی فرزندان، در جامعه ما و به‌خصوص در استان ایلام، سبب شده است هر ساله عده زیادی از والدین و فرزندان به ناهنجاری‌های اجتماعی و خودکشی و خودسوزی روی آورند و هزینه‌های فراوانی را بر جامعه و خانواده‌هایشان تحمیل کنند. استفاده از نتایج این‌گونه پژوهش‌ها می‌تواند تا حدودی از میزان آسیب‌های احتمالی ناشی از این پدیده‌ها بکاهد.

در زمینه تحولات ارزشی، نظریات مختلفی ارائه شده است. در پژوهش حاضر، نظریه تحول ارزشی رونالد اینگلهارت و دسته‌بندی دوگانه ارزش‌های مادی و فرامادی او و همچنین نظریه ارزشی گوردون آلپورت و دسته‌بندی شش‌گانه او از ارزش‌هایی است که در این پژوهش از آن‌ها استفاده شده است.

به‌طور کلی، می‌توان گفت که اینگلهارت ارزش‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کند: ارزش‌های مادی و ارزش‌های فرامادی. اینگلهارت نیازهای زیست‌شناختی، همانند امنیت اقتصادی و نیازهای امنیتی، همانند امنیت جانی را به لحاظ آنکه مستقیماً با حیات طبیعی سروکار دارند، به‌عنوان نیازهای مادی یا طبیعی در نظر گرفته و ارزش‌های متناظر با آن‌ها را ارزش‌های مادی نام نهاده است. بقیه، یعنی نیاز به عزت‌نفس و زیبایی‌شناختی و تحقق نفس را تحت عنوان کلی «نیازهای اجتماعی و خودشکوفایی» نام نهاده و ارزش‌های متناظر با آن را ارزش‌های فرامادی نامیده است (ملکی، ۱۳۷۵: ۱۷ و ۱۸).

این پژوهش در نظر دارد تفاوت بین ارزش‌های والدین با فرزندان آن‌ها را در استان ایلام بررسی و تعیین کند. هدف اصلی این پژوهش، سنجش میزان تفاوت و تضاد در نگرش‌های نسل نو و گذشته (پدران و پسران) درباره بعضی از ارزش‌های اجتماعی است. در مرحله بعد و در بحث اهداف ویژه، پژوهش بر آن است که نظام ارزشی حاکم و رایج را هم در میان پدران و هم پسران و اولویت‌های ارزشی این دو نسل بشناسد و دریابد تا چه میزان بین ارزش‌های پدران و پسران مشابهت یا افتراق وجود دارد. بنابراین تفاوت بین سلسله مراتب ارزشی پدران یا سلسله مراتب ارزشی پسران و ارزش‌های مادی پدران با ارزش‌های مادی پسران و ارزش‌های فرامادی پدران با ارزش‌های فرامادی پسران بررسی شده است.

روش پژوهش

روش پژوهشی این مطالعه روش پیمایش^۹ است. در این پژوهش از پرسش‌نامه همراه با مصاحبه استفاده شده و از این طریق ارزش‌های پاسخ‌گویان سنجیده شده است.

جامعه نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش تمامی دانش‌آموزان پسر سال سوم دبیرستان‌های شهر ایلام هستند که تعداد کل آن‌ها برابر با ۲ هزار و ۲۲۳ نفر است. شیوه نمونه‌گیری در تحقیق حاضر، خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است. برای این کار، ابتدا سیاهه تمامی دبیرستان‌های سطح شهر ایلام و تعداد دانش‌آموزان پسر سال سوم هریک از دبیرستان‌ها با استفاده از آمار موجود در دفتر کارشناسی آمار سازمان آموزش و پرورش به دست آمد. سپس این دبیرستان‌ها در دو منطقه ۱ و ۲ و براساس محل سکونت و پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها تقسیم‌بندی شدند. آنگاه برای به دست آوردن حجم نمونه، با توجه به نسبت دبیرستان‌های دولتی به غیرانتفاعی، به صورت تصادفی دو دبیرستان از میان دبیرستان‌های غیرانتفاعی و چهار دبیرستان از میان دبیرستان‌های دولتی، با توجه به تناسب حجم دانش‌آموز و رشته تحصیلی آن‌ها انتخاب شدند. با توجه به آنکه تعداد کل جامعه آماری، ۲ هزار و ۲۲۳ نفر بود، حجم نمونه از طریق فرمول کوکران تعداد ۲۸۲ نفر شد که برای افزایش اعتبار و دقت احتمالی و رفع اشتباهات، نمونه به ۲۸۸ نفر رسانده شد.

ابزارهای پژوهش

برای هر گروه پدران و پسران تعداد ۱۴۴ پرسش‌نامه در نظر گرفته شد. برای دانش‌آموزان با توجه به تنوع رشته تحصیلی و تعداد دانش‌آموزان، تعداد ۵۴ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های غیرانتفاعی و ۹۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی در نظر گرفته شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده است. سؤالات پرسش‌نامه در سه قسمت طراحی شدند. قسمت اول، مربوط به مشخصات فردی، اجتماعی، خانوادگی، نوع و مشخصات اقتصادی و سایر اطلاعاتی است که پدران و پسران پاسخ می‌دادند. در قسمت دوم، پرسش‌نامه شش خرده‌مقیاس ارزش ثروت، ارزش زندگی مرفه، ارزش امنیت ملی، ارزش علمی، ارزش اخلاقی و ارزش تعهد ملی دارد که از طریق طیف لیکرت، نظام ارزشی دانش‌آموزان و پدران آن‌ها بررسی شد. در قسمت سوم نیز با طرح سؤالات دوگزینه‌ای، اولویت‌های ارزشی آن‌ها سنجیده شد. ترکیب سؤالات بدین گونه است که ابتدا ۱۵ سؤال که مربوط به مشخصات پاسخ‌گو بوده، طرح شده است، آنگاه تعداد ۱۰۵ سؤال در طیف لیکرت با مقیاس پنج درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم، طرح و در پایان ۱۰ سؤال نیز برای تشخیص اولویت‌های ارزشی آن‌ها طرح شد.

بعضی از سؤالات پرسش‌نامه درباره تعیین اولویت‌بندی ارزش‌های دو نسل، براساس پرسش‌نامه آلپورت طرح شده‌اند. روایی پرسش‌نامه از طریق روایی‌سنجی محتوا با استفاده از نظر متخصصان و استادان دانشگاه محاسبه شده است. پایایی پرسش‌نامه نیز از طریق محاسبه آلفای کرونباخ و با استفاده از برنامه آماری SPSS انجام شده است که ضریب پایایی برای هر یک از خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه در جدول زیر آمده است.

جدول ۱: ضرایب پایایی خرده‌مقیاس‌های ابزار تحقیق

ارزش‌ها	ضریب پایایی
ارزش ثروت	۰/۸۲
ارزش زندگی مرفه	۰/۸۷
ارزش امنیت ملی	۰/۸۷
ارزش علمی	۰/۸۶
ارزش اخلاقی	۰/۸۵
ارزش تعهد ملی	۰/۸۱

اعتبار سازه‌ای پرسش‌نامه با استفاده از روش تحلیل عاملی محاسبه شده است. بسیاری از سؤالات این پرسش‌نامه نیز در پژوهش‌های دیگری آزمون و اعتبار آن نیز پذیرفته شده است. مراحل مختلف اعتبارسنجی پرسش‌نامه، محققان را متوجه بعضی نواقص و ابهامات کرد که با رفع آن‌ها، پرسش‌نامه برای آزمون اولیه در اختیار تعداد سی نفر از نمونه‌ها گذاشته و با رفع نواقص جزئی دیگر، پرسش‌نامه برای توزیع نهایی آماده شد.

یافته‌های پژوهش

مقایسه اولویت‌های ارزشی پدران و پسران با تکیه بر نظام ارزش‌های آلپورت

نتایج حاصل از مقایسه نمرات میانگین اولویت‌های ارزشی پدران و پسران نشان می‌دهد که اولویت‌های ارزشی پدران به ترتیب، عبارت‌اند از: ارزش‌های اقتصادی، مذهبی، نظری (علمی)، سیاسی، اجتماعی و زیبایی‌شناسی. اولویت ارزشی پسران نیز به ترتیب، عبارت‌اند از: اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، نظری (علمی)، سیاسی و زیبایی‌شناسی. بدین ترتیب، اولویت‌بندی پدران و پسران مشابه یکدیگر بوده؛ اما میزان گرایش آن‌ها به هر یک از این ارزش‌ها متفاوت است؛ به گونه‌ای که میزان گرایش پدران به ارزش‌های اجتماعی، مذهبی، سیاسی و هنری، بیشتر از پسران خود و گرایش پسران در مقایسه با پدران، به ارزش‌های اقتصادی و نظری (علمی) بیشتر است.

مقایسه اولویت‌های ارزشی پدران و پسران با تکیه بر نظام ارزش‌های اینگلهارت

داده‌های حاصل از مقایسه نمرات میانگین اولویت‌های ارزشی پدران و پسران با تکیه بر نظام ارزش‌های اینگلهارت در بخش ارزش‌های مادی نشان می‌دهد که اولویت ارزشی پدران به ترتیب،

عبارت‌اند از: ثروت و زندگی مرفه و امنیت ملی. اولویت ارزشی فرزندان آن‌ها نیز زندگی مرفه و ثروت و امنیت ملی است. همچنین داده‌ها بیانگر آن است که پدران در ارزش‌های مادی اینگلهارت، ثروت را در ابتدا و امنیت ملی را در انتها قرار داده‌اند. پسران نیز زندگی مرفه را در ابتدا و امنیت ملی را در انتها نهاده‌اند. میزان گرایش آن‌ها به این ارزش‌ها بیانگر اختلاف زیاد میانگین آن‌ها با یکدیگر است؛ بدین معنا که میزان گرایش پسران به ارزش‌های ثروت و زندگی مرفه و امنیت ملی بیشتر بوده و این ارزش‌ها اهمیت بیشتری نزد آن‌ها دارد. یافته‌های پژوهش در بخش ارزش‌های فرامادی نیز نشان می‌دهد اولویت پدران و پسران آن‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: ارزش‌های علمی و اخلاقی و تعهد ملی؛ اما میزان آن‌ها نشان‌دهنده آن است که پدران گرایش بیشتری به ارزش‌های اخلاقی و تعهد ملی دارند و در مقابل، فرزندان آن‌ها گرایش بیشتری به ارزش‌های علمی از خود نشان داده‌اند.

اگر ارزش‌ها را براساس نظریه اینگلهارت در دو دسته ارزش‌های مادی و فرامادی دسته‌بندی کنیم، خواهیم دید که هم پدران و هم فرزندان آن‌ها، اولویت اول خود را به ارزش‌های فرامادی و سپس مادی داده‌اند؛ اما میزان این ارزش‌ها نشان می‌دهد که فرزندان در مقایسه با پدران خود، در بخش ارزش‌های مادی گرایش بیشتری دارند و اختلاف میانگین آن‌ها بسیار زیاد است. حال آنکه در ارزش‌های فرامادی این پدران هستند که در مقایسه با فرزندان خود، گرایش بیشتری از خود نشان داده‌اند. هرچند، اختلاف میانگین‌های آن‌ها از همدیگر زیاد نیست.

جدول ۲: آزمون t برای تفاوت ارزش‌های علمی، اقتصادی، زیبایی‌شناسی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی

مقوله‌های آماری گروه‌ها	میانگین	تعداد	خطاهای استاندارد	خطاهای استاندارد میانگین	درجه آزادی	سطح معناداری
ارزش‌های نظری (علمی) پدران	۶۳/۶۹	۱۴۴	۴/۸۰	۰/۴۰۰	۱۴۴	۰/۰۱۳
ارزش‌های نظری (علمی) پسران	۶۵/۳۵	۱۴۴	۶/۷۱	۰/۵۵۹	۱۴۳	
ارزش‌های اقتصادی پدران	۱۰۱/۷۰	۱۴۴	۱۶/۱۲	۱/۳۴		۰/۰۰۰۱
ارزش‌های اقتصادی پسران	۱۰۶/۸۲	۱۴۴	۱۸/۶۷	۱/۵۵	۱۴۳	
ارزش‌های زیبایی‌شناختی پدران	۸/۹۵	۱۴۴	۲/۲۳	۰/۱۸۶		۰/۳۴۶
ارزش‌های زیبایی‌شناختی پسران	۸/۳۳	۱۴۴	۲/۴۳	۰/۲۰۲	۱۴۳	
ارزش‌های اجتماعی پدران	۸۷/۶۷	۱۴۴	۲/۴۷	۰/۲۰۶		۰/۰۰۰۱
ارزش‌های اجتماعی پسران	۹۱/۸۴	۱۴۴	۶/۶۸	۰/۵۵۷	۱۴۳	
ارزش‌های سیاسی پدران	۵۶/۹۳	۱۴۴	۵/۹۹	۰/۴۹۹		۰/۰۰۰۱
ارزش‌های سیاسی پسران	۵۴/۶۰	۱۴۴	۳/۳۷	۰/۲۸۱	۱۴۳	
ارزش‌های مذهبی پدران	۶۶/۱۸	۱۴۴	۶/۱۵	۰/۵۱۳		۰/۰۰۰۱
ارزش‌های مذهبی پسران	۶۳/۹۹	۱۴۴	۷/۷۰	۰/۶۴۱		

با توجه به داده‌های حاصل از جدول ۲، نتایج کلی این پژوهش در حیطه ارزش‌های آلپورت نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری به‌دست آمده از تفاوت بین ارزش‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی پدران و پسران که کمتر از ۰/۰۵ درصد است، می‌توان گفت که از لحاظ ارزش‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی بین پدران و پسران آن‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج آزمون این فرضیه بیانگر نبود تفاوت معنی‌دار بین ارزش‌های زیبایی‌شناسی پدران و پسران است.

جدول ۳: آزمون t برای بررسی تفاوت گرایش به ثروت، زندگی مرفه، امنیت ملی و

تعهد ملی بین پدران و پسران

مقوله‌های آماری گروه‌ها	میانگین	تعداد	خطاهای استاندارد	خطاهای استاندارد میانگین	درجه آزادی	سطح معناداری
گرایش به ثروت در پدران	۴۹/۷۸	۱۴۴	۹/۲۹	۰/۷۷۴	۱۴۳	۰/۰۰۰۱
گرایش به ثروت در پسران	۵۴/۰۶	۱۴۴	۱۰/۹۳	۰/۹۱۱		
گرایش به زندگی مرفه در پدران	۴۵/۹۸	۱۴۴	۸/۱۱	۰/۶۷۵	۱۴۳	۰/۰۰۰۱
گرایش به زندگی مرفه در پسران	۵۶/۰۶	۱۴۴	۱۰/۹۳	۰/۹۱۱		
گرایش پدران به امنیت ملی	۸/۴۷	۱۱۷	۲/۰۶	۰/۱۹۰	۱۱۶	۰/۰۰۰۱
گرایش پسران به امنیت ملی	۹/۵۴	۱۱۷	۱/۹۰	۰/۱۷۵		
گرایش پدران به تعهد ملی	۲۱/۳۶	۱۴۴	۱/۷۴	۰/۱۴۵	۱۴۳	۰/۰۰۰۱
گرایش پسران به تعهد ملی	۱۹/۶۵	۱۴۴	۳/۳۰	۰/۲۷۵		

با توجه به داده‌های جدول ۳، از آنجا که سطح معناداری به‌دست آمده از آزمون تفاوت معناداری در زمینه گرایش به ثروت، زندگی مرفه، امنیت ملی و تعهد ملی در بین پدران و پسران کمتر از ۰/۰۵ درصد است، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که میان میزان گرایش به ارزش‌های ثروت، زندگی مرفه، امنیت ملی و تعهد ملی پدران و پسران تفاوت معناداری دیده می‌شود.

جدول ۴: آزمون t برای بررسی تفاوت بین ارزش‌های مادی و فرامادی پدران و پسران

مقوله‌های آماری گروه‌ها	میانگین	تعداد	خطاهای استاندارد	خطاهای استاندارد میانگین	درجه آزادی	سطح معناداری
ارزش‌های مادی پدران	۱۰۴/۲۳	۱۱۷	۱۶/۵۲	۱/۵۲	۱۱۶	۰/۰۰۰۱
ارزش‌های مادی پسران	۱۱۹/۶۶	۱۱۷	۲۲/۹۳	۲/۱۲		
ارزش‌های معنوی (فرامادی) پدران	۱۴۱/۹۸	۱۴۴	۱۳/۰۳	۱/۰۸۶	۱۴۳	۰/۰۰۰۱
ارزش‌های معنوی (فرامادی) پسران	۱۳۹/۶۰	۱۴۴	۱۷/۲۷	۱/۴۳۹		

با توجه به داده‌های جدول ۴ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ درصد، فرض پژوهش در خصوص وجود تفاوت معنادار میان ارزش‌های مادی و فرامادی پدران و پسران پذیرفته می‌شود. مراجعه به میانگین دو گروه مذکور، وجود اختلاف به‌دست آمده را تأیید می‌کند.

جدول ۵: خلاصه آزمون t در خصوص نمرات میانگین ارزش‌های پدران و پسران

نوع ارزش	میانگین پدران	میانگین پسران	سطح معناداری
ارزش‌های نظری (علمی)	۶۳/۶۹	۶۵/۳۵	۰/۰۱۳
ارزش‌های اقتصادی	۱۰۱/۷۰	۱۰۶/۸۲	۰/۰۱
ارزش‌های زیبایی‌شناسی	۸/۵۹	۸/۳۳	۰/۳۴۶
ارزش‌های اجتماعی	۸۷/۶۷	۹۱/۸۴	۰/۰۰۰۱
ارزش‌های سیاسی	۵۶/۹۳	۵۴/۶۰	۰/۰۰۰۱
ارزش‌های مذهبی	۶۶/۱۸	۶۳/۹۹	۰/۰۰۰۱
ارزش ثروت	۴۹/۷۸	۵۴/۰۶	۰/۰۰۰۱
ارزش زندگی مرفه	۴۵/۹۸	۵۶/۰۶	۰/۰۰۰۱
ارزش اخلاقی	۵۶/۹۳	۵۴/۶۰	۰/۰۰۲
ارزش امنیت ملی	۸/۴۷	۹/۵۴	۰/۰۰۰۱
ارزش تعهد ملی	۲۱/۳۶	۱۹/۶۵	۰/۰۰۰۱
ارزش‌های مادی	۱۰۴/۹۸	۱۱۹/۶۶	۰/۰۰۰۱
ارزش‌های فرامادی (معنوی)	۱۴۱/۹۸	۱۳۹/۶۰	۰/۰۰۰۱

بحث

نتیجه‌گیری پژوهش با استناد به هر دو دسته‌بندی ارزشی آلپورت و اینگلهارت و توجه به وجود سه دسته تفاوت عمیق و تفاوت سطحی و نبود تفاوت ارائه می‌شود. نتایج کلی این پژوهش در حیطه ارزش‌های آلپورت از تفاوتی عمیق در ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی بین پدران و پسران حکایت می‌کند. از آنجا که میانگین ارزش‌های اجتماعی پسران بیشتر از پدران خود است، نشان می‌دهد که خانواده دیگر همانند سابق نمی‌تواند نقش یگانه و الگوی اصلی جامعه‌پذیری فرزندان باشد؛ زیرا در مباحث اجتماعی، تفاوت زیادی بین پدران و پسران وجود دارد. همچنین گرایش پسران به مباحث اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی همچون دیگرخواهی، نوع‌دوستی، عشق به انسان‌ها، عشق به هم‌نوع، از خودگذشتگی و ده‌ها مباحث اجتماعی دیگر و نگرش به برخی مسائلی که در نزد خانواده‌ها و پدران خود زشت و گناه شمرده می‌شود، تفاوت داشته و آن‌ها درباره این مباحث، تعریف و دیدگاهی جدید دارند.

در حوزه ارزش‌های سیاسی، نتایج پژوهش نشان‌دهنده آن است که پدران به حفظ وضع موجود و گرایش به امنیت بیشتر در جامعه، سلطه، زور، نفوذ، شهرت و قدرت گرایش بیشتری دارند. این نتایج نشان می‌دهد که نوع نگاه پسران به مباحث سیاسی و امنیتی با پدران خود تفاوت دارد و از

آنجا که سؤالات پرسش‌نامه بیشتر در حیطه امنیت ملی طرح شده بود، نشان‌دهنده آن است که تعریف پسران از امنیت ملی با پدران خود متفاوت است و پدران درباره وابستگی خود به آب و خاک حساسیت بیشتری دارند. شاید بحث جهانی شدن بر گرایش بیشتر پسران به جهان وطنی و وابستگی کمتر به تعریفی که از امنیت ملی عنوان می‌شود، تأثیر گذاشته است. درباره تفاوت عمیقی که در حیطه ارزش‌های اقتصادی بین پدران و پسران وجود دارد، به اجمال می‌توان گفت که نوع نگاه پسران با پدران به ارزش‌های اقتصادی تفاوت زیادی داشته؛ زیرا پسران بیشتر به زندگی تجملی و مصرفی و زندگی رفاهی گرایش دارند و پدران به ثروت و پول. همچنین از آنجا که ارزش‌های اقتصادی هم برای پسران و هم برای پدران اولویت اول را دارد، نشان می‌دهد که مباحث اقتصادی مهم و اساسی بوده و در نزد نسل امروز بیشتر از نسل دیروز اهمیت و ارزش دارد.

درباره ارزش‌های نظری یا به تعبیری علمی بین پدران و پسران، تفاوت سطحی یا تفاوت ارزشی کمی وجود دارد و می‌توان گفت که ارزش علم و دانش و مباحث علمی در نزد پدران و پسران تفاوت چندانی با هم ندارد، هرچند گرایش پسران به مباحث علمی از پدران خود بیشتر است.

در حیطه ارزش‌های مذهبی نیز نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میانگین گرایش مذهبی پدران از پسران خود تا حدودی بیشتر است؛ اما این اختلاف چندان زیاد نیست، بنابراین تفاوت به وجود آمده در این زمینه، سطحی است. نتایج پژوهش همچنین بیانگر نبود تفاوت بین پدران و پسران در حیطه ارزش‌های زیبایی‌شناسی و به تعبیری، هنری است و نشان می‌دهد که بین ارزش‌های زیبایی‌شناسی پدران و پسران شباهت ارزشی وجود دارد و میانگین ارزش‌های این دو نیز این موضوع را تأیید می‌کند.

نتایج این پژوهش با سایر پژوهش‌ها در این زمینه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد. نتایج این پژوهش تقریباً با پژوهش زین‌آبادی (۱۳۷۸) و اکرمی (۱۳۷۹) همخوانی دارد. در حیطه ارزش‌های علمی و اجتماعی نیز نتایج پژوهش تیموری (۱۳۷۷) را تأیید می‌کند؛ اما در سایر حیطه‌ها همخوانی لازم را ندارد. همچنین نتایج این پژوهش نتایج حاصل از پژوهش جلیلی (۱۳۷۷) را مبنی بر نبود تفاوت بین پدران و پسران آن‌ها تأیید نمی‌کند.

ارزیابی نتایج این پژوهش در بخش ارزش‌های اینگلهارت و در دو دسته کلی مادی و فرامادی نشان می‌دهد که هم پدران و هم فرزندان آن‌ها اولویت اول خود را به ارزش‌های فرامادی (معنوی) و سپس ارزش‌های مادی داده‌اند؛ اما از آنجا که اختلاف میانگین به دست آمده در ارزش‌های معنوی یا فرامادی پدران و پسران تقریباً زیاد نیست (۲/۳۸)، تفاوت سطحی است؛ اما با توجه به اختلاف میانگین به دست آمده در ارزش‌های مادی (۱۷/۴۳)، می‌توان گفت که در حیطه ارزش‌های مادی پسران و پدران، تفاوت عمیقی دیده می‌شود. نتایج پژوهش در حیطه ارزش‌های اینگلهارت، بیانگر تفوق ارزش‌های معنوی بر مادی است و نشان می‌دهد هرچند میانگین ارزش‌های معنوی پدران

بیشتر از پسران است، همچنان در نسل نو گرایش به ارزش‌های فرامادی بیشتر از ارزش‌های مادی است. نتایج این پژوهش نظریهٔ اینگلهارت را مبنی بر اینکه نسل جدید به سمت ارزش‌های فرامادی گرایش دارد و نسل قدیم به سمت ارزش‌های مادی، تأیید نکرده؛ زیرا نتایج نشان‌دهندهٔ گرایش هم‌زمان پدران و فرزندان آن‌ها به سمت ارزش‌های فرامادی است و اتفاقاً میزان گرایش نسل نو به ارزش‌های مادی بیشتر از نسل گذشته است. نتایج این پژوهش نتایج رفیع‌پور (۱۳۷۶) مبنی بر حرکت نسل نو به سمت ارزش‌های مادی را تأیید می‌کند؛ اما با نتایج به‌دست آمده از پژوهش توکلی (۱۳۷۸) همخوانی ندارد.

همان‌طور که در نتیجه‌گیری این پژوهش آمد، جوان و نوجوان امروزی همانند نسل گذشته اولویت اول را به اقتصاد و مسائل اقتصادی داده است. آن‌ها نیز همچون پدران خود دغدغهٔ اقتصادی داشته‌اند؛ زیرا آدمی سلسله‌نیازهای پایه‌ای دارد و تا آن‌ها را رفع نکند، نمی‌تواند به حل دیگر نیازهای خود دل خوش کند. نیازهای اقتصادی و ارزش‌های آن، نیاز نسل امروز است؛ اما تفاوتی که در بحث ارزش‌های اقتصادی نسل امروز (پسران) با نسل گذشته (پدران) وجود دارد، آن است که گرایش نسل امروزی به زندگی مرفه بسیار بیشتر از گرایش نسل گذشته است. همچنین سمت و سوی آن‌ها در ارزش‌های اقتصادی میل به تجملات و زندگی مصرفی را تقویت کرده است و آن‌ها بیشتر از پدران خود به زندگی تجملی گرایش دارند. پیام این موضوع برای نهادهایی که بحث فرهنگ‌سازی و الگودهی را در جامعه برعهده دارند، آن است که از هیجان کاذب به سمت زندگی تجملی بکاهند و الگوهایی سالم و نمونه برای نوجوانان، دربارهٔ روی آوردن به زندگی به دور از مصرف‌گرایی را در جامعه به نمایش بگذارند.

گرایش نوجوانان به سمت ارزش‌های مذهبی همانند و همسان با پدران خود، حکایت از آن دارد که نوع نگاه نسل امروز و نحوهٔ گفتمان آن‌ها دربارهٔ دین و ارزش‌های دینی متفاوت و متنوع به نظر می‌رسد؛ اما گرایش غالب این نسل همچنان به سمت ارزش‌های دینی است. همدلی و هم‌زبانی شایسته با نسل نو و پرهیز از برخوردهای قیّم‌آبانه و خشن به نام دین، از راهکارهای گرایش بیشتر به سمت ارزش‌های دینی است.

توجه نسل امروز به ارزش‌های علمی و نظری، نشان‌دهندهٔ آن است که گرایش به سمت ارزش‌های علمی در نسل امروز، بیشتر از نسل گذشته بوده و نیازمند آن است که رسانه‌ها و نهادهای متولی علم و فرهنگ در جامعه، تقویت مبانی علمی و فرهنگی را در برنامه‌ریزی‌های خود بگنجانند. ارزش‌های اجتماعی یکی از ارزش‌هایی است که تفاوت عمیقی را بین پدران و پسران ایجاد کرده است. تفاوت در ارزش‌های اجتماعی با توجه به در حال گذار بودن جامعه، موضوعی طبیعی به نظر می‌رسد. گفتمان نسل نو با نسل گذشته دربارهٔ مسائل اجتماعی متفاوت است.

از دیگر ارزش‌های بحث‌برانگیز، ارزش‌های سیاسی است. در ارزش‌های سیاسی، بین پدران و فرزندان تفاوت عمیقی وجود دارد؛ چراکه نگاه و تصویری که نسل امروز از امنیت ملی و تعهد ملی دارد، با نوع نگاه و تصویر پدران خود متفاوت است. تصور نسل امروز از امنیت ملی و نوع نگرش او به مسئله تعهد ملی و تعریفی که نسل امروز از این دو مفهوم در ذهن خویش دارند، با تصویر و تعریف نسل گذشته تفاوت دارد. نسل امروز دیگر به مفهوم امنیت ملی و تعهد ملی همانند سابق نمی‌نگرد. او تصورش را با نگاه به مسئله جهانی شدن و الزامات آن تغییر داده است. الزامات اساسی برای توجه به نسل نو عبارت‌اند از: توجه خانواده‌ها به مسئله آزادی تفکر و اندیشه، ارجاع نسل نو به مشاوره‌های اجتماعی مستقل و مطبوعات و رسانه‌های جمعی، تقویت هویت ملی و رفع موانع مهاجرت نخبگان ازسوی برنامه‌ریزان و مسئولان جامعه. به‌طور کلی، ماندگاری و دوام هر نظامی در گرو این مسئله است که متناسب با نسل‌های مختلف موجود در جامعه به فرهنگ‌سازی و بالندگی آرمان‌ها و ارزش‌ها و ارائه الگوی عمل خاص برای تحقق آرمان‌ها و ارزش‌ها توجه کنند؛ زیرا در جوامع، با گذشت زمان و به موجب رشد آموزش و ایجاد تنوع در سلیقه‌ها و نگرش‌ها و ارزش‌های افراد و نیز ایجاد فاصله‌های فرهنگی و اجتماعی، در فرایند اجتماعی شدن افراد آن‌چنان تحولات بزرگی رخ می‌دهد که انتظار یکسان بودن ارزش‌ها و آرمان‌ها در قشرهای مختلف، منطقی به نظر نمی‌رسد (حسن‌زاده و مجیدی، ۱۳۸۷)؛ به‌نقل از فرزانه و چراتی، (۱۳۹۰)؛ زیرا نسل جوان دارای روحیه نوجویی و ضریب تغییرخواهی بالایی است، از این‌رو خواهان تجربه‌های جدید هستند و تمایل به آزادی دارند و انسان‌هایی معطوف به آینده‌اند (بوردیو، ۱۹۸۴: ۵۱).

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|-------------------|------------------|
| 1. Value | 6. Sophism |
| 2. Duncan | 7. Pragmatism |
| 3. Generation Gap | 8. Individualism |
| 4. Bottomore | 9. Survey |
| 5. Marisa Ferrai | |

کتابنامه فارسی

- آزاد ارمکی، ت.، غفاری، غ. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی نسلی در ایران*. چاپ ۱، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- اکرمی، ن. (۱۳۷۹). «تصادم ارزش‌های ما و آن‌ها؛ بررسی و مقایسه گرایش‌های ارزشی بین دانش‌آموزان نوجوان و سالمندان». *ماهنامه تربیت*، شماره ۹.
- اینگلهارت، ر. (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه صنعتی*. ترجمه مریم وتر، چاپ ۱، تهران: کویر.
- اینگلهارت، ر. (۱۳۸۲). *تحول فرهنگی در جامعه صنعتی*. ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.

- باتومور، ت. (۱۳۵۷). *جامعه‌شناسی*. ترجمه سیدحسن منصور و حسن کلجاهی، چاپ ۳، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- بشیریه، ح. (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی سیاسی*. چاپ ۶، تهران: نی.
- پاشاشریفی، ح. (۱۳۷۵). *اصول روان‌سنجی و روان‌آزمایی*. چاپ ۴، تهران: رشد.
- توکلی، م. (۱۳۷۸). *بررسی نظام ارزش‌های دو نسل دختران (نسل انقلاب) و مادران*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- تیموری، ک. (۱۳۷۷). *بررسی و مقایسه نظام ارزش‌های پسران و پدران و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- جلیلی، ه. بهار و تابستان (۱۳۷۷). «شکاف نسل‌ها». مؤسسه پژوهش‌های آینده‌نگری، *فصلنامه فرهنگی اجتماعی فرهنگ عمومی*، شماره‌های ۱۴ و ۱۵، ۶۴ تا ۷۱.
- ربانی، ر. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی جوانان*، چاپ ۱، تهران: آوای نور.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۶). *توسعه و تضاد؛ کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران*. چاپ ۱، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- زین‌آبادی، م. (۱۳۷۸). «بررسی سلسله‌مراتب ارزشی پدران و پسران خانواده‌های ساکن شهر مشهد و عوامل مؤثر بر آن». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۳۲ (۱ و ۲).
- فرزانه، س. و چراتی، ع. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر تفاوت ارزشی، مطالعه موردی والدین و جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله شهر ساری». *فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۲ (۲).
- لنسکی، گ.، لنسکی، ج. (۱۳۷۴). *سیر جوامع بشری*. ترجمه ناصر موفقیان، چاپ ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- معدفر، س. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*. همدان: نور علم.
- ملکی، ا. (۱۳۷۵). *بررسی رابطه پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده با گرایش‌های ارزشی نوجوانان*. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی، مرکز پژوهش‌های بنیادی.
- یوسفی، ن. (۱۳۸۳). *شکاف بین نسل‌ها: بررسی نظری و تجربی*. چاپ ۱، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

کتابنامه انگلیسی

- Abdul Kareem, A, vijayakannur, V.S.R. (1981). "Value Ordination of College Students in Relation to Socio - Economic Stratification", *Journal of Psychological Researches*, Vol. 25, (1).
- Allport, G.W, Vernon, plulp .E; lindzey.G. (1960). "*Study of values*", Boston: Houghton mifflin company 17.
- Bourdieu, pierre. (1984). *questions de sociologies les editions 7 ruebernard palissy*, Paris.
- Diepsthaten, I.E , peter, E. A. (1999). "Talking about my Generation, Ego and alter images of generation in the Nether lands, Netherlands", *Journal of social sciences*, 35,2, pp.91-109.
- Duncan, s., 1999, *Garmond Communication*, Montana.
- Marisa Ferrari,O. (2000). "*Generation and Value Change Across Time*", *International Review of Sociology*, Vol. 10, Issue 2, p.223, 11p.
- Mannheim, k. (1952). *The Problem of Generation, in Essays on the Sociology of Knowledge*, Rout Lodge and Kegan Paul.